



The transcendent business of children in the light of subject laws

Navid Alhoei

Master, Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Tehran Markaz University
Tehran, Iran, navidalh@chmail.ir

Corresponding author: Navid Alhoei, navidalh@chmail.ir
Copyright © 2019 The First National Congress of Governance. All rights reserved.

Abstract. Child labor has always been subject to various abuses due to certain physical and mental characteristics. Child labor is one of these abuses because of its unique benefits. The use of child labor gradually became commonplace because of its benefits in various forms. This disgrace has become commonplace in moral, religious, and legal ideals, and has forced the human awakening consciences to legislate to protect working children. In fact, the phenomenon of child labor is one of the most harmful social problems that has existed around the world for a long time and has increased in recent years for various reasons. Child labor is one of the oldest examples of human rights violations. The painful reality of the lives of these homeless people has made the international community pay attention to the rights of the child and his work since the last decade of the last century. The protection of working children was first established at the domestic level in laws such as the Constitution, the Labor Law, the Islamic Penal Code, the Law on the Protection of Children and Adolescents, etc., and then in the 1959 Declaration of the Rights of the Child, the International Covenant on Economic, Social and Social Rights, approved in 1966, Convention No. 182 of 1999 was passed. Which prohibits the employment of persons under the age of 15 and allows them to work beyond that age under certain conditions. If children and adolescents are employed, their work is respected and they are paid full work.

Keywords: Child, work, transcendence, governance.

کسب و کار متعالی کودکان در پرتو قوانین موضوعه

نوید الهوئی¹

1 - کارشناسی ارشد، فقه و مبانی حقوق اسلامی، تهران مرکز، تهران

چکیده. کار همواره کودک به علت ویژگی‌های خاص جسمی و روحی در معرض سوءاستفاده‌های مختلف قرار گرفته است. کار کودک به علت مزایای منحصر به فرد آن، از جمله این سوء استفاده است. استفاده از کار کودک رفته رفته به علت مزایای آن در اشکال مختلف، امر عادی تلقی شد. این امر ناپسند عادی شده در آرمان‌های اخلاقی، دینی و حقوقی مورد مذمت قرار گرفت و وجدان‌های بیداری بشری را در راستای وضع قوانینی برای حمایت از کودکان کار واداشته است. در حقیقت پدیده کودکان کار یکی از مشکلات آسیب‌زای اجتماعی است که از دیر باز در سراسر جهان وجود داشته و در سال‌های اخیر به دلایل گوناگون افزایش یافته است. کار کودک از جمله مصادیق قدیمی نقض حقوق بشر است. واقعیت دردناک زندگی این افراد بی‌پناه موجب شد تا از دهه آخر قرن پیشین، حقوق کودک و سپس کار وی، مورد توجه جامعه بین‌المللی واقع شود. حمایت از کودکان کار ابتدا در سطح داخلی و در قوانینی چون قانون اساسی، قانون کار، قانون مجازات اسلامی، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و... مقرر شد و سپس در اعلامیه حقوق کودک مصوب ۱۹۵۹، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶، مقاله‌نامه شماره ۱۸۲ سال ۱۹۹۹ راه یافت. کار کودکان از منظر فقهی جز در مواردی که استثنا شده و مواردی که

کودک ممیز باشد و با اذن ولی معامله یا کاری را انجام دهد جایز نیست و قوانین حقوقی هم آن را باطل دانسته‌اند و قانونگذار کودکان را که سنین زیر ۱۵ سال را شامل می‌شوند از کار کردن منع کرده است و به بالاتر از آن سن طبق شرایطی اجازه کار داده است. در صورت بکارگیری کودکان و نوجوانان کار آنان محترم است و اجرت کار کامل به آنان تعلق می‌گیرد.

کلیدواژه‌گان: کودک، کار، متعالی، حکمرانی.

کار کودک اغلب به کاری گفته می شود که کودکان را از کودکیشان، پتانسیل هایشان و کرامت هایشان محروم می سازد و برای رشد جسمی و روانی آنان مخاطره آمیز است. این کارها از نظر جسمی، روانی، اجتماعی و اخلاقی خطرناک و برای کودکان زیان آور است. با تحصیل آنان تداخل دارد. فرصت مدرسه رفتن را از آنان می گیرد، آنان را مجبور به ترک مدرسه می کند، یا آنان را ملزم می سازد ترکیبی از حضور در مدرسه و کار سنگین طولانی مدت را تحمل کنند. کار کودک زیر ۱۵ سال ممنوع و جرم است. کارگر بین ۱۵ تا ۱۸ سال کارگر نوجوان نامیده می شود که با رعایت مقررات مواد ۸۰-۸۴ قانون کار می تواند به کار گرفته شود. به کارگیری کارگران نوجوان در مشاغل سخت به ترتیب مقرر در «آیین نامه اجرایی قانون تصویب کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک» ممنوع است. کارگاه های خانوادگی که در آن ها کارفرما با اشخاص درجه اول از طبقه اول خویشاوندانش پدر، مادر، همسر، فرزندان کار می کند از شمول مقررات قانون کار خارج هستند و حتی به کار گرفتن فرزند زیر ۱۵ سال نیز در این کارگاه طبق ماده ۱۸۸ قانون کار. منعی ندارد باید توجه داشت اگر کارفرما فقط یک کارگر بیگانه داشته باشد یا با برادر خود همکار باشد دیگر وصف کارگاه خانوادگی بر آن کارگاه صدق نمی کند و موظف به تبعیت از قوانین کار است. در صورتی که در کارگاه های خانوادگی حقوقی کودک مورد تعرض قرار گیرد، باید به استناد قوانین حمایت از کودک و مقابله با کودک آزار ی به نجات او برخاست. در طول تاریخ استفاده از نیروی کار کودکان همواره امری معمول و متداول بوده و نو ظهور نیست. کودکان از قرن ها پیش همراه با والدین و نزدیکان خود به کارهای مختلف از جمله، کشاورزی و دامداری اشتغال داشته اند. با توسعه صنعت و ایجاد کارخانجات صنعتی و مشاغل حاشیه ای آن، کار کودکان به شکل مزدبگیری و در خارج از محیط خانواده عمومیت یافت و بهره کشی از کودکان، توسط کارفرمایان به عنوان یک معضل اجتماعی در آمد. لذا با مشخص شدن خطرات کار نامناسب در سنین پایین و زیان های روحی و جسمی که با توجه به شرایط نامساعد کار به کودکان وارد می آمد، ضرورت حمایت از کودکان احساس می گردید. از طرف دیگر افزایش آگاهی های اجتماعی سبب شده است که بسیاری از امور که در گذشته تاریخ بشر امری طبیعی و عادی تلقی می شد، امروزه مغایر با شئون انسانی محسوب گردد. بررسی تاریخی نیز حکایت از آن دارد، وقوع انقلاب صنعتی و استثمار ناجوانمردهانه از طبقات کارگری بالخص کودکان، وجدان های خفته را به تکاپو واداشت تا برای حمایت از کودکان که تحت استثمار کارفرمایان به کارهایی که با روحیات جسمی و روانی آنان همخوانی نداشت، و تنها به سرمایه داران کمک می کرد نه به کسانی که برای آن ها کار می کنند (نجفی، ۱۳۸۲: ۴۱). به مقابله برخاسته و قواعد و مقرراتی را در جهت حمایت از کودکان کار مقرر نمایند.

۲- مبانی نظری و پیشینه تجربی

مبانی نظری

کار کودکان چیست و چه ویژگی هایی دارد مصادیق اشکال کار کودکان در منابع بین المللی و در ایران، منابع ممنوعیت بدترین اشکال کار کودکان کدامند و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان با توجه به سازوکارهای سیاست جنایی تا چه اندازه در راستای توسعه برنامه های حمایتی از این قشر آسیب پذیر با بررسی و بیان ویژگی های کار کودکان تحلیل و ارزیابی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان از منظر سیاست جنایی با رویکردی انتقادی کارآمد خواهد بود. مفهوم کودک و نوجوان در ایران مطابق ماده ۱ قانون حمایت از کودکان و نوجوان و اصطلاحات به کار رفته در این قانون، به شرح ذیل تعریف می شود (الف) کودک: هر فرد که به سن بلوغ شرعی نرسیده است. (ب) نوجوان: هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است. (پ) بی توجهی و سهل انگاری: کوتاهی در انجام تکالیفی از قبیل تأمین نیازهای اساسی و ضروری کودک و نوجوان یا وظایف مربوط به حضانت، ولایت، قیمومت، وصایت، سرپرستی، تربیت، نظارت یا مراقبت از آنان توسط والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی یا هر شخصی که مکلف به آن است. (ت) سوء رفتار: هرگونه فعل یا ترک فعل عمدی که سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی کودک و نوجوان را در معرض خطر و آسیب قرار دهد؛ از قبیل ضرب و جرح، محبوس کردن، سوءاستفاده جنسی، توهین یا تهدید نسبت به طفل یا نوجوان در صورتی که جنبه تأدیبی نداشته باشد یا قراردادن او در شرایط سخت و غیرمتعارف و یا خودداری از کمک به وی. (ث) بهره کشی اقتصادی: به کارگیری غیرقانونی کودک و نوجوان و یا وادار کردن یا گماردن او به کار یا خدمتی که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی با نظر به وضعیت طفل و نوجوان برای وی مضر یا خطرناک باشد. (ج) معامله: خرید و فروش یا هرگونه اقدام غیرقانونی که به موجب آن کودک یا نوجوان در ازای پرداخت وجه یا امتیاز و سایر موارد در اختیار دیگری قرار می گیرد. (چ) فحشاء: هرگونه به کارگیری و یا وادار کردن کودک و نوجوان در فعالیت های جنسی برای خود یا دیگری. (ح) مبتذل: هرگونه محتوا یا تصویری که دارای صحنه یا صور قبیحه باشد. (خ) مستهجن: هرگونه محتوا اعم از صوتی یا

تصویری که به صورت واقعی یا غیرواقعی بیانگر برهنگی کامل زن یا مرد، آمیزش عمل جنسی یا اندام جنسی انسان است.د) هرزه‌نگاری: تهیه و تولید هر اثری که محتوای آن بیانگر جذابیت جنسی کودک یا نوجوان مانند برهنگی، آمیزش، عمل جنسی یا اندام جنسی باشد. ذ) خطرشدید و قریب‌الوقوع: وضعیتی که حیات یا سلامت جسمی یا روانی طفل و نوجوان به شدت تهدید و در معرض آسیب قرار گیرد، به نحوی که مداخله فوری و چاره‌جویی را ایجاب نماید.

سؤالات پژوهش

کار کودکان چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟
مصادیق اشکال کار کودکان در منابع بین‌المللی و در ایران کدام است؟
منابع ممنوعیت بدترین اشکال کار کودکان کدامند؟
قانون حمایت از کودکان و نوجوانان با توجه به سازوکارهای سیاست جنایی تا چه اندازه در راستای توسعه برنامه‌های حمایتی از این قشر آسیب‌پذیر کارآمد خواهد بود؟

اهداف پژوهش

بررسی و بیان ویژگی‌های کار کودکان؛
بررسی و بیان مصادیق اشکال کار کودکان در منابع بین‌المللی و در ایران؛
بررسی و بیان منابع ممنوعیت بدترین اشکال کار کودکان؛
تحلیل و ارزیابی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان از منظر سیاست جنایی با رویکردی انتقادی

پیشینه تجربی

رستگاری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با موضوع «امکان انعقاد قرارداد کار با کودک از منظر فقه و قانون کار» بیان می‌کند: در سال ۱۹۸۹ میلادی نمایندگان کشورهای جهان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، پیمان حقوق کودک را تایید و امضا نمودند. در تاریخ اول اسفند ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی ملحق شدن جمهوری اسلامی ایران را به این کنوانسیون تصویب کرد. اعلامیه جهانی حقوق کودک، در ماده یک خود کودک را کسی می‌داند که کمتر از هجده سال تمام دارد، مگر آنکه قوانین داخلی کشوری، سن دیگری را مشخص کرده باشد. راغبی و محمدی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با موضوع «بررسی فقهی حقوقی کار کودک و خلاءهای قانونی آن» بیان می‌کنند: کار کودکان پدیده‌ای است که در جهان قابل پذیرش نیست به این دلیل که کودکان را از جایگاه انسانی شان محروم می‌کند عوامل مهمی از جمله فقر باعث کار کودکان شده و این تحقیق از منظر فقه و حقوق و خلاءهای قانونی آن شد کار کودکان از منظر فقه جز در موارد استثنا شده که با اذن ولی باشد جایز نیست و قوانین حقوقی هم آن را باطل دانسته هدف از این تحقیق حمایت خاص و ویژه از کودکان کار و خانواده‌هایشان بوده است. محمدی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه‌ای با موضوع «بررسی فقهی - حقوقی کار کودک و نوجوانان و خلاءهای قانونی آن» بیان می‌کند: کار کودکان و نوجوانان پدیده‌ای است که در جهان امروز قابل پذیرش نیست؛ به این دلیل که کودکان را از دوران کودکی و جایگاه انسانی‌شان محروم می‌کنند و با به کار گرفتن آنان در کارهای مختلف رشد فیزیکی و روانی آنان را مورد خدشه قرار می‌دهند. شیوع این پدیده به خاطر عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، در کشور ایران است. این مساله باعث شده به بررسی کار کودکان و نوجوانان از منظر فقه و حقوق و خلاءهای قانونی آن بپردازیم. کار کودکان از منظر فقهی جز در مواردی که استثنا شده و مواردی که کودک ممیز باشد و با اذن ولی معامله یا کاری را انجام دهد جایز نیست و قوانین حقوقی هم آن را باطل دانسته‌اند و قانونگذار کودکان را که سنین زیر ۱۵ را شامل می‌شوند از کارکردن منع کرده است و به جوانان طبق شرایطی اجازه کار داده است. اما در صورت بکارگیری کودکان و نوجوانان کار آنان محترم است و اجرت کار به آنان تعلق می‌گیرد. هدف از این پژوهش کار نکردن و جلوگیری از کار کودکان و نوجوانان به وسیله حمایت‌های قانونی از این گروه و خانواده‌هایشان بوده است. با توجه به بررسی‌های انجام شده از قوانین داخلی و قوانین بین‌المللی مربوطه و آرای فقها، به این نتیجه رسیدیم که ضمن حمایت‌های که از کودکان و نوجوانان در سطح ملی و بین‌المللی شده است باز هم خلاءها و کاستی‌های از جمله میزان مجازاتی که برای کسانی که کودکان را به صورت غیر قانونی به کار می‌گیرند و هم چنین مشمول قانون کار نبودن کارگاه‌های خانوادگی در این زمینه وجود دارد که باعث شده کودکان و نوجوانان به عنوان سرمایه انسانی آینده یک کشور در خیابان‌ها یا مکان‌های

پنهان به کارهای نامتعارف کشیده شوند. صداقت الوار (۱۳۹۰) در پایان نامه ای با موضوع «تبعات و آثار بین المللی کار کودک و مطالعه موردی آن در ایران» بیان می کند: کودکی از دوران پر اهمیت زندگی آدمی است که بی شک زیر بنای سایر مراحل زندگی نیز می باشد با توجه به رشد شهر نشینی و تغییر ساخت زندگی خانوادگی، افزایش روز افزون طلاق، مهاجرت، زاغه نشینی، بیکاری و اضمحلال ارزشها و اخلاقیات، عدم سیاست گذاری درست در مورد جمعیت و ... شاهد بروز پدیده کودکان کار و خیابانی می باشیم. این کودکان بیشترین آسیب پذیری را در برابر همه نوع سوء استفاده های عاطفی و جنسی دارند. در حقیقت پدیده کودکان کار یکی از مشکلات آسیب زای اجتماعی است که از دیر باز در سراسر جهان وجود داشته و در سالهای اخیر به دلایل گوناگون افزایش یافته است. کار کودک از جمله مصادیق قدیمی نقض حقوق بشر است. واقعیت دردناک زندگی این افراد بی پناه موجب شد تا از دهه آخر قرن پیشین، حقوق کودک و سپس کار وی، مورد توجه جامعه بین المللی واقع شود. در این دهه، نگرانیهای راجع به بهره کشی از کودکان به موضوعی تبدیل شده بود که حساسیت های عمومی را در سطح جهان بر انگیزته بود و تنها به چند نهاد بین المللی نظیر سازمان بین المللی کار و یونیسف یا معدودی سازمان غیر دولتی محدود نمی شد. در کشور ما نیز این پدیده با ویژگی های خاص خود ضرورت توجه به آن را مطرح می سازد. آخرین تخمین ها حاکی از آن است که ۲۵۰ میلیون کودک در کشور های در حال توسعه جزء کودکان کار و خیابانی هستند. حضور این کودکان در خیابان پیامدهایی دارد، این کودکان بستر مناسبی برای تولید جرم و بزهکاری می باشند که نهایتاً منجر به تهدید امنیت اجتماعی می گردد. مشکل کار کودکان را نمی توان به تنهایی، بدون در نظر گرفتن مشکلات مرتبط دیگر حل کرد. طرحها به تنهایی کافی نیستند. در جاهایی که فقر خانواده ها را متلاشی می کند، باید سیاست های اقتصادی و اجتماعی با یکدیگر تلفیق شوند تا به محافظت از ارزش و اعتبار زندگی خانوادگی کمک شود. غفاری فارسانی (۱۳۸۸) در مقاله ای با موضوع «نگاهی به کنوانسیون بدترین اشکال کار کودک» بیان می کند: کار کودک از جمله مصادیق قدیمی نقض حقوق بشر است. با این همه، از میان برداشتن کامل آن در بسیاری از کشورها ممکن نیست؛ لذا در سال ۱۹۹۹ سازمان بین المللی کار «کنوانسیون بدترین اشکال کار کودک» را تهیه کرد که در آن اعضا پذیرنده ملزم به ممنوعیت و محو تنها آن دسته از کارهای کودک شدند که ناپسند یا غیر قانونی اند و یا با توجه به وضعیت کودک، مضر و خطرناکند. از آن جا که ایران نیز به این کنوانسیون پیوسته، بررسی مفاد آن ضروری است

۳- روش پژوهش

در این پژوهش برآنیم تا به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی کار کودک در پرتو نظام بین المللی حقوق بشر و نظام حقوقی ایران بپردازیم.

۴- یافته های پژوهش

۴-۱- ویژگی های کار کودکان

کار کودک ویژگی های متعددی دارد از جمله؛ مزد ناچیز و ناعادلانه از وجوه اصلی ویژگی های مربوط به شغل کودکان است. مزد اغلب کودکان کار، آن چنان کم است که حتی برای رفع نیازهای غذا، پوشاک و مسکن آنها نیز کفایت نمی کند. اغلب پرداخت مزد کار کودک، به پدر و مادر یا دیگر افراد خانواده است. به عبارت دیگر، اغلب این افراد، مزد کار کودک را مستقیماً دریافت می کنند. بیشتر کودکان در کارگاه هایی کار می کنند که به ثبت نرسیده و فعالیت شان غیر مجاز است چنین کارگاه هایی از نظر شرایط در وضعیت نامناسبی هستند. تبعیت و انعطاف پذیری کودکان نسبت به بزرگسالان از کارفرما بیشتر است

۴-۲- آسیب پذیری کودکان و نوجوانان مبنای حمایت از ایشان در برابر بزه دگی

واژه معارض با قانون عبارتی است که برای حمایت از کودکان بزهکار، جایگزین واژه بزهکار گردیده است. در واقع اصول حقوق بشری ناظر به دادرسی نوجوانان حتی در انتخاب واژگان سعی نموده است منافع عالی کودکان را لحاظ نماید و از هرگونه برچسب زنی به کودک پرهیز شود. امروزه به این کودکان دیگر بزهکار نمی گویند و آنها با نام معارض با قانون مورد خطاب قرار می گیرند. اینها کودکانی هستند که باقوانین کیفری و ارزش های بزرگسالان تعارض پیدا کرده اند. بزهکار صفت مرکب و فاعلی واژه بزه می باشد. در متون جزایی از کلمه مجرم و جانی، بیشتر از لفظ بزهکار استفاده می شود و با مطالعه کتب حقوقی و جرم شناسی مشاهده می شود که بزهکار به مجرمانی اطلاق می شود که کمتر از سن معینی هستند. در بسیاری از کشورها مقنن بزهکاری را که به اعمال اطلاق می نماید که قانون آنها را پیش بینی و قابل مجازات

می‌داند)، اما ممکن است یک عمل در کشوری مجرمانه و در جامعه‌ای دیگر فاقد هرگونه خصیصه جزایی باشد. وجود اختلاف در پذیرش مفهوم بزهکاری کودکان باعث گردید که کوشش‌هایی جهت ایجاد هماهنگی و وحدت نظر در استعمال این عبارت به وسیله مراجع بین المللی به عمل آید. اما کنگره پیشگیری جرایم و اصلاح کودکان بزهکار سال ۱۹۵۵ برای تعریف مشترک به نتیجه‌ای نرسید. لذا در دومین کنگره سازمان ملل در سال ۱۹۶۰ این مسئله بار دیگر مورد بررسی قرار گرفت و اعلام گردید کشورهای شرکت کننده در تمام شرایط ممکن از استعمال عبارت بزهکاری در رابطه با ناهنجاری‌های کودکان خودداری کنند. مگر آنکه این گونه اعمال در قانون جزا پیش بینی شده باشد. بدین ترتیب هیچ‌گاه لفظ طفل بزهکار در اسناد بین المللی تعریف نشده و بیشتر در کتب مورد استفاده قرار گرفت و به جای آن واژه مجرم نوجوان به کار می‌رود که به کودک و یا نوجوانی اطلاق می‌گردد که متهم به ارتکاب جرمی شده یا محرز گردیده که جرمی مرتکب شده است. در کنوانسیون حقوق کودک نیز با به کار بردن واژه کودکان مجرم یا متهم به نقض قانون کیفری بر تعاریف قواعد پکن صحه می‌گذارد. بر اساس بند ۲ قسمت الف ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک، مجرمیت یا اتهام کودک وقتی قابل قبول است که اولاً اعمال ارتكابی کودک قبل از انجام آن توسط قانون ملی یا بین المللی منع شده باشد و ثانیاً در قسمت ب همین بند مقرر شده است که «تا زمانی که جرم، طبق قانون ثابت نشده، کودک بی‌گناه شناخته می‌شود». و در قواعد پکن امور خاص این گونه تعریف شده است: «هرگونه رفتاری فعل یا ترک فعل که به موجب قانون، تحت نظام‌های حقوقی ذی ربط قابل مجازات است». بدین ترتیب بزهکاری براساس مقررات بین المللی زمانی محقق می‌شود که عمل ارتكابی توسط کودک یا نوجوان حتماً از قبل توسط قانون منع شده باشد. با توجه به این که در رعایت هر چه بیشتر مصالح عالییه کودک و دور زایی برچسب زنی به دلیل بار منفی و سنگینی واژه مجرم یا بزهکار، کمیته حقوق کودک از سال ۲۰۰۷ سعی نموده است واژه «کودک معارض با قانون» را به تدریج جایگزین کودک بزهکار یا مجرم نوجوان نماید. لذا در تفسیر عام شماره ۱۰ در خصوص حقوق کودک در دادرسی نوجوانان مکرراً از این عبارت استفاده نموده است. در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به تعریف جرم براساس ماده ۲ قانون مجازات اسلامی در تعریف بزهکاری صغار می‌توان گفت: طفل بزهکار در حقوق ایران کودکی است که مرتکب عملی می‌گردد که قانون آن را منع کرده است و یا ترک عملی که انجام آن توسط قانون لازم دانسته شده است. همانطور که مشهود است در تعریف معارض قانون بودن یا بزهکاری صغار در مقررات بین المللی و داخلی اختلافی وجود ندارد (حسینی، ۱۳۸۵: ۵۵). اما آنچه که مورد اختلاف و محل بحث می‌باشد، محدوده سنی است که فرد به عنوان نوجوان یا کودک شناخته می‌شود و تحت حمایت سیستم خاص دادرسی نوجوانان قرار می‌گیرد و در مقابل جرم ارتكابی او را از نظر کیفری مسئول دانسته و به جرم ارتكابی او رسیدگی می‌شود، لذا ضروری است ابتدا مسئولیت کیفری کودکان و چگونگی برخورد با کودکان با توجه به این مسئولیت در مباحث آتی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۴-۳- امکان بزهکاری کودکان و نوجوانان بزه‌دیده

کودکان و نوجوانان بزه‌دیده به اعتبار نوع جرایمی که علیه آن‌ها رخ می‌دهد از دو منظر قابل بررسی هستند. از نظر اول، جرایمی است که میان آن‌ها و بزرگسالان مشترک است. (بزه دیدگی به معنای عام). دسته دوم، جرایمی هستند که صرفاً خاص اطفال و نوجوانان ارتکاب می‌یابد (بزه دیدگی به معنای خاص). لذا تعریف کودکان یا نوجوانان بزه‌دیده از هر دو منظر ارائه می‌شود. در تعریف بزه دیدگی به معنای عام، با در نظر داشتن محدوده سنی برای کودکان و نوجوانان، طفل یا نوجوان بزه‌دیده به هر فرد تا ۱۸ سال اطلاق می‌شود که بر اثر رفتار عمدی و غیرعمدی که در قانون جرم است متحمل آسیب‌هایی از جنس روانی، جسمانی، عاطفی یا مالی می‌شود. این تعریف بازگوکننده زوایای مخ تلف بزه دیدگی کودک نیست. زیرا کودکان به لحاظ آسیب پذیر بودن، بزه دیدگی آنان در برخی موارد متفاوت بوده و به این دلیل دایره جرم انگاری علیه کودکان وسیع تر است. در تعریف بزه دیدگی به معنای خاص، آمده است کودکان به لحاظ دارا بودن ویژگی‌های خاص نسبت به بزرگسالان و این که نیازمند حمایت از سوی والدین و سرپرستان قانونی هستند باید مورد حمایت ویژه قرار گیرند. به همین علت، قانونگذار در ماده ۲ قانون حمایت از کودکان مصوب سال ۱۳۸۱ برخی رفتارها را که منجر به آسیب جسمانی، روانی و عاطفی کودک می‌شود یا وضعیت اجتماعی و رشد او را به مخاطره می‌اندازد را جرم انگاری کرده و از این طریق از حمایت ویژه بهره‌مند نموده است. بنابراین کودک یا نوجوان بزه‌دیده به معنای خاص، فرد تا ۱۸ سال است که از سوی والدین، سرپرستان قانونی و دیگران مورد سوء استفاده و یا بی‌توجهی قرار گرفته و در پی آن تمامیت جسمی، عاطفی، روانی و هم‌چنین فرآیند رشد وی مورد آسیب قرار گرفته است. سند بین المللی رهنمودهایی راجع به عدالت برای کودکان بزه‌دیده و شاهد جرم ۲۰۰۵، کودکان کم‌تر از ۱۸ سال را که علیه آن‌ها جرمی به وقوع پیوسته، صرف نظر از نقش آن‌ها در ارتکاب جرم و یا تعقیب متهم یا متهمان، بزه‌دیده تلقی کرده است. برخی نیز بدون این تفکیک، تعاریفی را در این خصوص ارائه نموده‌اند. در یکی از این تعاریف آمده است: کودکان بزه‌دیده افرادی هستند که هدف مرتکبان جرم واقع شده و جرم روی آن‌ها واقع گردیده است

و به این سبب متضرر شده اند. در واقع این گروه از کودکان به سبب فعالیت های مجرمانه ی فرد یا افرادی که این رفتارها را انجام می دهند آسیب می بینند و متضرر می شوند. در بند «ط» ماده ۲ لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان نیز اطفال یا نوجوان بزه دیده را کسانی معرفی نموده که در نتیجه رفتارهای مجرمانه والدین، اولیاء، سرپرستان قانونی، هر شخصی که مسئولیت مراقبت او را بر عهده دارد و یا سائری ن متحمل ضرر و زیان شود خواه از طریق سوء استفاده از کودک یا بی توجهی نسبت به وی یا هر اقدام دیگری باشد. همان طور که در بالا نیز اشاره شد بزه دیدگی اطفال و نوجوانان به انواع مختلفی قابل تقسیم می باشد. به عنوان مثال در یک تقسیم بندی بر مبنای موضوع، می توان به بزه دیدگی جسمانی، جنسی، مسامحه و غفلت، عاطفی و روانی، مسامحه جسمی، مسامحه عاطفی و مسامحه آموزشی و فرار از مدرسه و تر ک تحصیل) تقسیم نمود. در تقسیمات دیگری از این بزه دیدگی می توان، بزه دیدگی نخستین ارتکاب جرم علیه طفل یا نوجوان و دومین شیو ه واکنش دیگران در قبال جرم ارتکابی به طفل یا نوجوان را نیز اشاره نمود(قائمی، ۱۳۶۶: ۱۱).

۴-۴- منابع ممنوعیت بدترین اشکال کار کودک

شرایط روحی و جسمی کودکان، قانونگذاران داخلی و سازمان های بین المللی حامی حقوق بشر را برای مداخله جهت حمایت از کارگران کودک از طریق وضع قواعد و مقررات واداشته است.

۴-۴-۱- داخلی

هر چند قانون اساسی مقررات صریحی پیرامون حمایت از کودکان و نوجوانان ندارد اما حق همه افراد ملت در برخورداری از آموزش و پرورش رایگان در تمام سطوح و تکلیف دولت در فراهم کردن وسایل آموزشی و پرورشی تا پایان دوره متوسطه برای همه ملت اصل ۳۰ این توقع اجتماعی را ایجاد کرده است که فرزندان جامعه حق و تکلیف دارند تحصیلات خود را بی هیچ مانعی تا پایان دوره متوسطه ادامه دهند. با وجود این حق و تکلیف، اقتضا دارد که آغاز سن کار به عنوان یک سیاست اجتماعی مقارن با پایان تحصیلات متوسطه باشد این همان سیاست اجتماعی است که مقاله نامه شماره ۱۳۸ سازمان بین المللی کار پیرامون حداقل سن شروع به کار بیان داشته است. طبق مواد ۸۰ و ۸۱ قانون کار ۱۳۶۹ جمهوری اسلامی ایران، کارگران ۱۵ تا ۱۸ سال، کارگران نوجوان هستند و در بدو استخدام و همچنین به طور سالیانه با ید تحت آزمایش های پزشکی قرار گیرند به موجب ماده ۵۱ قانون کار، ساعات کار کارگران نباید از ۸ ساعت در روز تجاوز کند البته با توافق کارگر و کارفرما این مدت می تواند تغییر پیدا کند به شرط آن که مجموع ساعات کار از ۴۴ ساعت در هفته تجاوز نکند در ماده ۸۲ قانون فوق الذکر اعلام شده است که ساعات کار نوجوانان باید نیم ساعت کمتر از ساعت کار کارگران معمولی باشد بر طبق ماده ۸۳ این قانون نیز ارجاع هر گونه کاری و انجام کار در شب و نیز ارجاع کارهای سخت و زیانبار و خطرناک و حمل بار بیش از حد مجاز و بدون استفاده از وسایل مکانی کی برای کارگر نوجوان ممنوع است. ارجاع هر نوع کار اضافی و انجام کار در شب برای کارگر نوجوان ممنوع است «شب» طبق تعریف مادهی ۳۵ قانون کار، عبارت است از فاصله زمانی بین ساعات ۲۲ تا ۶ صبح. برخی از اموری که در کنوانسیون منع بدترین اشکال کار کودک مقرر شده است به دلیل ماهیت غیر انسانی و لطمات روحی و جسمانی جبران ناپذیری که به طفل وارد می آورند، از سوی قانونگذار به طور خاص مورد جرم انگاری قرار گرفته است(سیف، ۱۳۶۸: ۹۰). یکی از این موارد «بکار گیری کودک در امور تکدی گری» است که در این رابطه ماده ۹۳۱ قانون فوق مقرر می دارد: «هر کس طفل صغیر یا غیر صغیر رشیدی را وسیله تکدی قرار دهد یا افرادی را به این امر بگمارد به حبس تعزیری درجه شش و استرداد کلیه امالی که از این طریق به دست آورده است محکوم خواهد شد. «قانونگذار در این ماده برای افرادی که با سوء استفاده از اطفال اقدام به جمع آوری اعانات مردم می نمایند، مجازات سنگین تری را نسبت به وضعیتی که خود شخص رأساً اقدام به تکدی می کند پیش بینی کرده است. این مسأله خود مؤید آگاهی مقنن از آثار نامطلوبی است که این عمل بر روح و روان وارد می آورد. قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می کنند. براساس ماده ۱۳ قانون فوق که در تاریخ ۱۳۷۲/۱۱/۱۲ به تصویب رسیده است: استفاده از صغیر برای نگهداری، نمایش، عرضه، فروش و تکثیر نوارهای غیر مجاز موضوع این قانون، موجب اعمال حداکثر مجازات های مقرر، برای عامل خواهد بود به عبارت دیگر قانونگذار با تصویب این ماده، حمایت جدی خود را از اطفال در برابر تهیه کنندگان آثار مستهجن و مبتذل از کودکان اعمال کرده است. براساس ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی «نکاح قبل از بلوغ ممنوع است» تبصره: عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی به شرط رعایت مصلحت مولی علیه صحیح می باشد». لیکن در سایر موارد این عمل جرم بوده، مرتکب آن به موجب ماده ۸ ۶۴ قانون مجازات اسلامی «ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی ممنوع است چنان چه مردی با دختری که با حد بلوغ نرسیده است بر خلاف ماد ه ۱۰۴۱ قانون مدنی و تبصره ذیل آن ازدواج نماید به حبس تعزیری درجه شش محکوم می گردد». در بسیاری از موارد عقد نکاح سر پوشی برای فروش طفل به منظور تمتع جنسی خریدار، از وی می باشد که اغلب، فروشنده کودک نیز کسی جز پدر و مادر طفل نمی باشند.

۴-۴-۲- بین المللی

کار کودکان و حمایت از آنها یکی از اولین مواردی است که قواعد بین‌المللی نسبت به آن وضع گردیده است دلیل این امر را می‌توان مرارت‌های ناشی از انقلاب صنعتی دانست که فشار آن بر طبقه ضعیف به مراتب بیشتر بوده است این اقدام بین‌المللی را «ژرژ سل» تحت عنوان «قیمومت ضعفا» یاد می‌کند. ماده ۹ اعلامیه حقوق کودک مصوب ۱۹۵۹ سازمان ملل متحد مقرر می‌دارد: «کودک باید در برابر هرگونه غفلت، ظلم، شقاوت و استثمار حمایت شود. کودک نباید به هر شکلی، وسیله مبادله قرار گیرد کودک نباید قبل از رسیدن به حداقل سن مناسبتاً به استخدام در آید و نباید به هیچ وجه، امکان و یا اجازه استخدام کودک در کارهایی داده شود که به سلامت یا آموزش وی لطمه زده یا باعث اختلال رشد بدنی، فکری و یا اخلاقی وی گردد». بند ۳ ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ مع عمومی سازمان ملل متحد، در خصوص حمایت از کودکان در برابر مشاغل سخت و زیان آور انجام امور زیر را از دولت‌های عضو می‌خواهد: اتخاذ تدابیر و اقدامات حمایتی ویژه برای کودکان و جوانان بدون هیچ‌گونه تبعیض به دلیل نسب و یا علل دیگر. حمایت از کودکان و جوانان در برابر استثمار اقتصادی. ممنوعیت قانونی اشتغال اطفال در مشاغلی که به اخلاق یا سلامت آنان لطمه می‌زند. تعیین محدوده سنی قانونی برای اشتغال کودکان و وضع مجازات برای کسانی که کودکان زیر سن قانونی را استخدام کرده‌اند. ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق کودک، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۹ از دولت‌ها می‌خواهد تا از استثمار اقتصادی کودکان و هر شغلی که برای آنان زیانبار بوده و یا موجب توقف در تحصیل آنها شده یا برای بهداشت جسمی، روحی، اخلاقی و اجتماعی اطفال مضر باشد، جلوگیری کنند و برای این منظور اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی زیر را به انجام رسانند: تعیین حداقل سن برای به کار گماردن اطفال. تدوین مقررات مناسب برای ساعات و شرایط کار. وضع مجازات‌ها و ضمانت اجرای قانونی الزام در جهت تضمین اجرای موثر این ماده. از نظر این کنوانسیون، منظور از «کودک» افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال است مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود. سازمان بین‌المللی کار از همان ابتدا و در اساسنامه خود، حمایت از کودکان و نوجوانان را به عنوان اصول کلی در سر فصل اقدامات خود قرار داد سازمان بین‌المللی کار در تعیین معیارهایی جهت حمایت از کودکان و نوجوانان نقش ارزنده ای ایفا کرده است. سازمان مذکور در دوران اول فعالیت خود دو مساله تعیین حداقل سن شروع به کار در مشاغل مختلف و نیز ممنوعیت کار کودکان در شب را مورد توجه جدی قرار داد و در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم نیز آنها را پیگیری کرد کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار در هشتاد و هفتمین اجلاس خود که از تاریخ اول ژوئن در سال ۱۹۹۹ در ژنو برگزار شده بود مقوله نامه شماره ۱۸۲ را مورد بررسی قرار داد و در نهایت آن را در تاریخ ۱۷ ژوئن همان سال به تصویب رساند. دولت جمهوری اسلامی ایران نیز هشتم آبان ۱۳۸۰ به این مقوله نامه پیوست در مقدمه این مقوله نامه، ضمن در اولویت قرار دادن مسأله ممنوعیت بدترین اشکال کار کودک، بر لزوم تصویب اسناد جدید به منظور تکمیل مقوله نامه شماره ۱۳۸ در زمینه حداقل سن اشتغال تاکید شده است در مقوله نامه شماره ۱۸۲ برای نخستین بار بدترین اشکال کار کودک تعیین و تعریف شد.

۴-۵- ارکان تشکیل دهنده بدترین اشکال کار کودک

رکن قانونی جرم بدترین اشکال کار کودک، تبصره ۲ قانون تصویب کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک است که در این ماده قانونگذار مقرر کرده است که، ارجاع موارد مقرر در کنوانسیون مذکور و همچنین مواردی که مصداق کارهای خطرناک است و توسط وزارتخانه‌های کار و بهداشت و صنایع مشخص شده است مشمول مجازات مقرر در ماده ۱۷۲ قانون کار می‌باشد و وزارت کار موظف است پس از ثبوت جرم در محاکم صالح، متخلف یا متخلفان را به تناسب موضوع مورد تخلف، به وزارتخانه‌های صنایع و معادن، جهاد ک شاورزی، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و مجمع امور صنفی و سایر مراجع صدور پروانه بهره‌برداری و کسب معرفی نماید و مراجع یاد شده موظف به لغو پروانه متخلف و یا متخلفان با رعایت مراتب زیر می‌باشد: برای بار اول به مدت ۳ ماه؛ برای بار دوم به مدت ۶ ماه؛ در صورت تکرار به مدت یک سال. و در نهایت بسیاری از بدترین اشکال کار کودک به خاطر ماهیت غیر انسانی در قوانین خاص جرم‌انگاری و برای آن مجازات تعیین شده است. رفتار مجرمانه در تحقق این جرم در قالب فعل مثبت تحقق می‌یابد. کارفرما وقتی کارگر کودک خود را به انجام یکی از کارهای ممنوعه دستور می‌دهد و کارگر کودک نیز تحت امر کارفرما خود را مهبیای آن کار می‌کند در این جا رضایت کارگر در تحقق نیافتن این جرم تاثیری ندارد همچنان که تعقیب جرم نیز احتیاج به چنین رضایتی ندارد و چنانچه پس از تعقیب، کارگر گذشت نماید موجب موقوفی تعقیب نخواهد شد. موضوع جرم، ارجاع بدترین اشکال کار کودک و نیز کارهای سخت و زیان آور برای کودک است. به موجب قانون تصویب الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون منع بدترین اشکال کار کودک که موضوع مقوله نامه ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار

است دو عنوان مجرمانه مورد نظر قانونگذار است: یک کار کودک است که مصادیق آن را به طور انحصاری سازمان مذکور در ۳ بند اول در ماده ۳ مشخص کرده است اما بند ۴ ماده مذکور از ممنوعیت ارجاع کارهایی که به سلامت جسمانی و اخلاقی کودک مضر است سخن گفته است ولی مصادیق آن را مقرر نکرده و به قانونگذاران داخلی کشورها واگذار کرده است که مقام صلاحیتدار داخلی بعد از مشاوره با سازمان‌های کار فرمایی و کارگری و در نظر گرفتن معیارهای بین المللی مصادیق آن را مشخص می کنند بنابراین، موضوع این جرم ذیل دو عنوان جرم، ارجاع بدترین اشکال کار کودک و ارجاع کارهای سخت و زیان آور به سلامت و اخلاقیات کودک قرار می گیرد. زمان و مکان در تحقق این جرم دارای اهمیت است: اولاً هر یک از مصادیق ممنوعه باید در بازه زمانی که بین کارگر کودک و کارفرمای او رابطه قراردادی وجود دارد انجام شده باشد بنابراین اگر فردی دیگری را وادار به انجام یکی از موارد مضر به سلامت جسمانی و اخلاقی کودک، که مطابق کنوانسیون ۱۸۲ سازمان بین المللی کار و همچنین قانون الحاق ایران به کنوانسیون مذکور ممنوع است بکند اما فی مابین آن ها رابطه قرارداد کار نباشد. به موجب قواعد عمومی و در چارچوب قانون مجازات با وی برخورد می شود. ثانیاً مکان نیز در تحقق این جرم حائز اهمیت است فلذا باید در محدوده جغرافیایی کارگاه که مکان مشخصی است جرم به وقوع بپیوندد تا به مجازات مقرر در قانون کار محکوم شود. برای تحقق جرم یاد شده جنسیت طرفین فرقی نمی کند بنابراین، کارفرما می تواند زن باشد یا مرد. کارگر وی که مجنی علیه است نیز می تواند دختر باشد یا پسر. هر یک از طرفین مجرم و مجنی علیه می توانند دارای ملیت واحد یا متفاوت باشند بنابراین اگر فری با اخذ مجوزهای ملزم در ایران کارگاهی را راه اندازی کند و در آن کارگاه از فردی که دارای کمتر از ۱۸ سال است در کارهای ممنوعه استفاده کند مشمول مجازات مقرر در قانون کار خواهد شد. و این که، همانطوری در سایر جرایم گارگری تصریح شد باید مجرم کارفرما باشد. مجنی علیه نیز کارگر باشد که این دو نهاد در قانون کار تعریف مشخصی دارند (حسینی، ۱۳۸۵: ۸۹).

۴-۶- بزهکاری غیرنظامی علیه کودکان کار

نباید بزه علیه کودکان کار در ابعاد غیرنظامی را تنها به موارد ذیل خلاصه نمود، چرا که احتمال سوء استفاده از این کودکان در هر شغل و موقعیتی متناسب با آن شغل داده میشود. ولی موارد ذکر شده عمومیت و شمول بیشتری در بزه دیدگی کودکان کار داشته است. کودک آزاری و ضرب و جرح که میتواند علت های مختلفی داشته باشد. اما به هرعلتی که باشد، به جهت مجبور کردن کودک به تبعیت و فرمانبرداری یا مجبور کردن او به سکوت در برابر احقاق حق خویش است. بزه دیدگی کودک در رابطه با مواد مخدر که همین مورد می تواند زمینه ساز انواع بزه دیدگی علیه او شود: ۱- خرید و فروش مواد مخدر توسط کودکان ۲- معتاد کردن طفل. خرید و فروش مواد بوسیله ی کودک، میتواند زمینه ساز اعتیاد وی توسط این اشخاص شود. این افراد با معتاد کردن کودک آنها را بیشتر به خود وابسته تر میسازند. این افراد حتی والدین نیز میتوانند باشند و در جهت رسیدن به تمایلات خویش کودک خود را معتاد می کنند. معتاد کردن کودک، به دو شیوه صورت میگیرد: ۱- شیوه ی مستقیم ۲- شیوه ی غیرمستقیم. در شیوه ی مستقیم، اشخاصی که به اصطلاح ساقی فروش مواد نیازمند فردی تحت کنترل و فرمان بردار وضعیف هستند و کسی جز کودکان نمیتواند تمامی این ویژگی ها را دارا باشد بالاخص زمانی که این کودکان نیز معتاد شوند وابستگی شان به مراتب بیشتر خواهد شد. همچنین کودکان برای دلالان و قاچاقچیان مواد مخدر امن ترین وسیله به شمار میروند چراکه کمتر جلب توجه نموده و به آنها مشکوک نمیشوند. مسلم است شخصی که آغاز زندگی اش به این شکل رقم بخورد انتظار آینده ای روشن از او نمی رود. در شیوه غیرمستقیم علل و عوامل اعتیاد زایی که ناشی از بسترهای نامناسب سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره است کودک را به سمت اعتیاد و مصرف مواد مخدر میکشاند (بیگی و اردبیلی، ۱۳۸۴: ۸۹).

۴-۷- بزهکاری نظامی علیه کودکان کار

ماده ۳۸ پیمان نامه حقوق کودک اعلام می کند که گروه های سیاسی نباید از افراد زیر پانزده سال در جنگ استفاده کنند. همچنین «پروتکل اختیاری شرکت کودکان در جنگ» از طرفین درگیری ها می خواهد که به افراد زیر هجده سال اجازه شرکت در جنگ داده نشود و سربازگیری اجباری در مورد این افراد نیز ممنوع است (ماده ۴). همچنین این پروتکل اختیاری از حکومت ها می خواهد که کودکان را برای اقدامات نظامی بسیج نکنند و از نام نویسی آن ها برای شرکت در درگیری های نظامی خودداری شود و حکومت ها برای بازگشت آرامش جسمانی و روانی کودکان تلاش کنند. بنابر ماده ۸/۲/۲۶ اساسنامه رم از دیوان بین المللی کیفری تصویب شده در سال ۱۹۹۸ و اجرایی شده در ۱ ژوئیه ۲۰۰۲، «سربازگیری یا نام نویسی از افراد زیر ۱۵ سال برای شرکت در درگیری های نظامی ممنوع و یک جرم جنگی محسوب می شود.» در ۲۶ ژوئیه

۲۰۰۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد به اتفاق آراء «قطعنامه ۱۶۱۲ شورای امنیت» را به تصویب رساند. این قطعنامه نخستین قدم برای ایجاد سیستم نظارتی و گزارشی به منظور وادار کردن گروه‌های استفاده‌کننده از کودکان در جنگ برای پذیرش قوانین بین‌المللی بود.

۴-۸- لزوم مداخله حرفه‌ای کارکنان دستگاه عدالت کیفری

توجه ویژه به آموزش کارکنان دستگاه عدالت کیفری برای مواجهه و برخورد مناسب و حرفه‌ای با اطفال و نوجوانان بزه‌کار و فراگیری مباحثی پیرامون روانشناسی و تعلیم و تربیت، هم‌چنین آموزش تضمین‌های دادرسی منصفانه از جمله تضمین‌های ناظر بر مرحله بعد از وقوع جرم و نحوه رفتار با طفل معارض با قانون در تشکیلات انتظامی و قضایی، گامی مؤثر در رعایت حقوق اطفال و نوجوانان معارض با قانون و تحقق دادرسی منصفانه برای آنان در جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. تفسیر و اجرای صحیح فرامین به گونه‌ای که هم بتواند از جامعه دفاع کند و هم هم‌زمان مطابق با فلسفه این قوانین رعایت شود نیازمند هوشمندی بالایی است که کارکنان دستگاه عدالت کیفری به عنوان افرادی که هر دوی این وظایف را بر عهده دارند باید دارای باشند. کارکنان دستگاه عدالت کیفری برای انجام صحیح این وظایف دوگانه (حمایت از جامعه و رعایت حقوق اطفال معارض با قانون)، نیازمند آموزش‌ها و تخصص‌هایی است که او در رابطه با فرد بزه‌کار به دست آورده است. با ملاحظه اسناد بین‌المللی ملاحظه می‌شود در این راستا، مداخلات حرفه‌ای کارکنان دستگاه عدالت کیفری را به طرق مختلفی از جمله برگزاری دوره‌های آموزشی توصیه‌شده نمودند. در این راستا، سند حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان (مقررات پکن، ۱۹۸۵) در بندهای ۱-۶ و ۲-۶ و ۳-۶، استانداردهای بین‌المللی مهمی را تبیین نموده است. ویژگی‌های مهمی نظیر مسئول بودن و عملکرد حرفه‌ای، مناسب‌ترین ابزار در جلوگیری از استفاده گسترده از اختیارات است. به همین دلیل است که در این بندها بر صلاحیت‌های حرفه‌ای و آموزش تخصصی به عنوان روش‌هایی برای حصول اطمینان از استفاده مناسب از اختیارات اشاره شده است. علاوه بر آن در پاراگراف ۲۲ سند مذکور، تحت عنوان ضرورت تحصیلات تخصصی و آموزش، بر به کارگیری تحصیلات تخصصی، آموزش ضمن خدمت، دوره‌های بازآموزی و سایر طرق آموزشی در جهت ایجاد و حفظ صلاحیت حرفه‌ای ضروری کلیه کارکنان مرتبط با پرونده‌های نوجوانان تأکید شده است. هم‌چنین، بند ۱۹ قاعده ۱-۲۲ و ۲-۲۲ اصول ریاض نیز بر ضرورت حرفه‌ای بودن و آموزش برای دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری تأکید نموده است. بر مبنای بندهای فوق، آموزش حرفه‌ای ضمن خدمت، حداقل شرط صلاحیت خواهد بود. صلاحیت حرفه‌ای از عناصر ضروری در حصول اطمینان از اداره بی‌طرفانه و مؤثر دادرسی ویژه نوجوانان است. از این رو بهبود در استخدام، ارتقاء و آموزش حرفه‌ای کارکنان و هم‌چنین قراردادادن امکانات لازم در اختیار آنان در جهت انجام وظایف خود به نحو شایسته ضروری می‌باشد.

۴-۸- مصاحبه و بازجویی

ریشه لغت بازجویی، کلمه لاتین «Interrogatorius» است و آن عبارت است از روش تحقیق کیفری که مرجع قضایی یا تحقق‌کننده یا صادرکننده حکم یا مأموران صلاحیت‌دار پلیس، از طریق سوال‌های مکرر از مظنون یا متهم، به ارتکاب جرم وی پی‌ببرند. بازجویی به معنی اعم کلمه عبارت است از جستجو، کشف و جمع‌آوری ادله لازم که اتهام و گناه متهمین و یا براءت آن‌ها را ثابت کند. بازجویی به معنی اخص کلمه عبارت است از سوال و جواب از متهم یا مجرم با رعایت روش‌ها و فنون خاص و استماع اظهارات و دفاعیات او. بازجویی انواع مختلفی دارد که عبارتند از: بازجویی اطلاعاتی، بازجویی فنی، بازجویی موقت، بازجویی درازمدت. لازمه یک بازجویی موفق، جمع‌آوری اخبار و اطلاعات کافی پیرامون موضوع، در نظر گرفتن زمان و مکان مناسب برای بازجویی، استفاده از شیوه‌ها و مراحل بازجویی متناسب با شرایط و اوضاع و احوال سوژه و پرونده و به‌طور اخص استفاده از فنون و شگردهای شناخته‌شده و مؤثر در بازجویی می‌باشد. فن بازجویی، از اموری است که متولیان آن در هنگام استفاده از آن می‌بایست ویژگی‌های فرد بازجویی‌شونده را مطمح نظر داشته باشند. از آنجایی که برابر وظایف تعریف شده، در امور کیفری این امر به پلیس محول می‌شود لذا پلیس باید ویژگی‌های طرف مقابل را در امور بازجویی لحاظ نماید. اهمیت نقش پلیس در بازجویی هنگامی دوچندان می‌شود که فرد بازجویی‌شونده، طفل یا نوجوان باشد. در این هنگام پلیس باید حقوق این افراد را مورد توجه قرار دهد. در این راستا، اسناد بین‌المللی به کرات این حقوق را مورد توصیه قرار داده‌اند که در ذیل به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود. قطعنامه اصول راهنمای دادرسی در موضوعات دربردارنده کودکان، در پاراگراف ۱۳ اشعار می‌دارد: «به منظور جلوگیری از سختی‌های بیش‌تر برای کودکان، مصاحبه‌ها، تحقیقات و سایر اشکال بازجویی باید به وسیله متخصصان آموزش‌دیده و کسانی که به شیوه حساس، با احترام و موشکافانه عمل می‌کنند هدایت و مدیریت شود». بند «د» پاراگراف ۳۰ همین قطعنامه نیز بر استفاده از رویه‌های مناسب برای

اطفال و نوجوانان و پیش بینی اتاق های طراحی شده مصاحبه و بازجویی برای کودکان تأکید داشته است. در پاراگراف شماره ۲۷ «مقررات سازمان ملل برای حمایت از نوجوان محروم از آزادی» آمده است: «با هر نوجوان باید در کوتاه ترین زمان ممکن پس از پذیرش، مصاحبه و بازجویی شود و گزارش روان شناختی و اجتماعی برای تعیین هرگونه عوامل مرتبط با نوع مشخصی از مراقبت و نیز سطح مراقبت و برنامه مورد نیاز نوجوانان تنظیم گردد...». در مقررات داخلی نیز در این خصوص در مواد مختلفی شرایط بازجویی از اطفال بیان شده است. به عنوان مثال در ماده ۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ در خصوص شرایط افراد بازجویی کننده از اطفال و نوجوانان آمده است: «بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود». هم چنین در ماده ۶۰ همین قانون در خصوص شرایط بازجویی آمده است: «در بازجویی ها اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سوالات تلقینی یا اغفال کننده و سوالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است. و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سوالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است، معتبر نیست. تاریخ، زمان، و طول مدت بازجویی باید در اوراق صورت مجلس قید شود و به امضاء یا اثر انگشت متهم برسد». ماده ۳۳ پیش نویس لایحه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان به شکلی متفاوت نسبت به قانون آیین دادرسی کیفری، شرایطی را برای انجام مصاحبه تعیین نموده است. در این ماده آمده است تحقیق از طفل و نوجوان با حضور حداقل یکی از والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی در صورت دسترسی به آنان انجام می شود. مددکار اجتماعی و یا وکیل نیز در حدود مقررات حق حضور در جلسات را دارند. به همین ترتیب، ماده ۴۳ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان مقرر می دارد: تمام مصاحبه ها و تحقیقات از کودکان و نوجوانان موضوع این قانون توسط افراد آموزش دیده در این زمینه و توأم با رفتاری احترام آمیز در کمترین دفعات و کوتاه ترین زمان ممکن و با در نظر گرفتن نیازهای خاص آن ها به عمل می آید. در بندهای ۶، ۷ و ۱۰، ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب سال ۱۳۸۳ به صورت کلی و بدون این که اطفال و نوجوانان را مورد خطاب قرار داده باشد اصول و استانداردهای بازجویی را تبیین نموده است. با مطالعه قانون دادرسی کودک مصوب ۲۰۰۸ آفریقای جنوبی، ملاحظه می شود در فصل های ۳، ۴ به صورت پراکنده و در فصل ۷ با عنوان اختصاصی «تحقیقات مقدماتی» موارد مختلفی از جمله رعایت استانداردهای سیاست جنایی اجرایی پلیس در امر مصاحبه و بازجویی نکاتی متذکر شده است که به دلیل هم پوشانی آن با موارد مذکور در اسناد بین المللی مورد اشاره از تکرار آن خودداری می شود.

۴-۹- رعایت حریم خصوصی

در اسناد بین المللی مرتبط با اطفال و نوجوانان، به درستی و با دقت به رعایت این حق توجه شده است. ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک در این رابطه اشعار می دارد: در امور خصوصی، خانوادگی، با مکاتبات هیچ کودکی نمی توان خودسرانه یا غیرقانونی دخالت کرد یا هتک حرمت نمود. کودک در برابر این گونه دخالت ها و یا هتک حرمت ها مورد حمایت قانون قرار دارد. در قاعده ۸.۱ حداقل مقررات استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوان قواعد پکن تأکید شده است: «حق حریم خصوصی برای نوجوان به منظور اجتناب از آسیب دیدن وی در نتیجه علنی شدن بی مورد یا فرآیند برچسب زدن در کلیه مراحل محترم خواهد شد». همچنین در قسمت ب (۷) از بند ۳ ماده ۴۰ پیمان نامه حقوق کودک آمده است: «در کلیه مراحل دادرسی، حریم شخصی کودک و نوجوانان باید محفوظ بماند». مطابق ماده ۲۱ مقررات پکن، پلیس موظف به ثبت محرمانه جرم و سوابق تحقیقات در خصوص کودکان می باشد و اطلاعات مربوط به آنان باید تنها در اختیار مقامات رسیدگی کننده و تصمیم گیرنده و مددکاران قرار بگیرد. به موجب ماده ۸ مقررات پکن، حریم خصوصی اطفال باید حفظ و از انتشار اطلاعات مربوط به وی جهت پیش گیری از فرآیند برچسب زدن جلوگیری شود. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ در ماده ۴ رعایت این امر را به عنوان یکی از اصول حاکم بر تمام مواد قانون آیین دادرسی کیفری مطمح نظر داشته است. این ماده مقرر می دارد: «اصل؛ براءت است. هرگونه اقدام محدود کننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند». علاوه بر آن؛ مواد متعددی از قانون آیین دادرسی کیفری بدون این که در قبال اطفال و نوجوانان وضع شده باشد به صورت کلی در راستای رعایت حریم خصوصی افراد بیان شده است. به عنوان مثال در ماده ۴۰ ضابطان دادگستری را از افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده جز در مواردی که قانون معین نموده منع کرده است. هم چنین در تبصره ۲ ماده ۶۵۰ نیز یک نوع دیگر از حمایت را در خصوص حریم خصوصی تبیین نموده است. در این تبصره آمده است: «انتشار اطلاعات مربوط به هویت افراد

مرتبط با دادرسی از قبیل نام، نام خانوادگی، شماره پستی و شماره ملی آنان جز در مواردی که قانون تجویز کند، ممنوع است. هم چنین، قانونگذار در برخی مواد به طور غیرمستقیم با هدف رعایت حریم خصوصی افراد، موادی را به تصویب رسانده است. مواد ۴۳، ۵۵، ۹۱، ۹۶، تبصره ۲ ماده ۱۵۰، تبصره ۲ ماده ۳۵۳ موادی هستند که بر رعایت حریم خصوصی افراد رعایت نموده اند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۹۸). علاوه بر قوانین کیفری در ماده ۶۰ پیش نویس لایحه تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان نیز به درستی رعایت این حق را از سوی پلیس به رسمیت شناخته است. با مقایسه این قانون با قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸، مشاهده می شود در قانون قدیم نسبت به قانون جدید بیش تر بر رعایت حریم خصوصی تأکید شده است که این خود نشان از دقت نظر قانونگذار بر اهمیت به حقوق شهروندان به طور عام و اطفال و نوجوانان به طور خاص دارد. در حوزه مطالعات تطبیقی نیز باید گفت رعایت حریم خصوصی اطفال و نوجوانان معارض با قانون در ماده ۳۷ قانون کودکان، نوجوانان و خانواده های آن ها مصوب ۱۹۸۹ کشور نیوزیلند و در مواد ۳۶ و ۴۵ قانون دادرسی کودک مصوب ۲۰۰۸ کشور آفریقای جنوبی با عنوان «محرمانه بودن اطلاعاتی که در مرحله اولیه به دست می آید» مورد توجه بوده است.

۴-۱۰- عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی یعنی رویکردی در دادرسی که هدفش مشارکت دادن کودک بزهکار، قربانی بزه، خانواده های مربوطه و اعضای اجتماع برای شناسایی و رفع آسیب ها، تأمین نیازها و انجام تعهدات از طریق پذیرش مسئولیت، جبران، اتخاذ تدابیر برای پیشگیری از تکرار بزه و ارتقای آشتی است. عدم توفیق نظام عدالت کیفری در ادغام مجدد اطفال و نوجوانان به علت تمرکز بیش از حد بر رویکرد سزادهی و گرفتار شدن در قواعد و روش های رسیدگی، به نوعی که در این دعاوی، یک طرف برنده و طرف دیگر بازنده باشد، سبب شده تا محققان و علمای حقوق و جرم شناسی؛ به ویژه حامیان حقوق اطفال و نوجوانان به دنبال شیوه ای باشند تا هدف نهایی دادرسی ویژه نوجوانان که همانا ادغام مجدد اطفال و نوجوانان در خانواده و جامعه است را تحقق بخشند. به همین منظور توجه و اهمیت به استفاده عدالت ترمیمی در دستور کار استاد بین المللی و حتی قوانین بسیاری از کشورها قرار گرفته است (بارانی، ۱۳۹۳: ۷۷). عدالت ترمیمی اعم از میانجی گری و برگزاری حلقه ها و نشست های فیمابین بزه دیده و بزه کار می باشد. در میانجی گری، شخص میانجی گر تلاش می کند تا با وساطت بین طرفین دعوا، اختلاف میان این دو را حل کند. بنابراین ممکن است میانجی گر، فردی بی طرف باشد و با مطالعه پرونده و گفت و گو با طرفین آن، آسیب وارد شده و علت و چگونگی آن را به خوبی درک کند. این شخص باید در نزد طرفین، مقبولیت داشته باشد. در این فرآیند باید فضای حاکم بر جلسات میانجی گری به نحوی باشد که طرفین بتوانند مطالب خود را بیان نمایند و اطفال و نوجوانان بزه کار مسئولیت عمل خود را بدون هیچ فشاری بپذیرد و تعهدی برای جبران آن بدهد. در نشست ها و حلقه های گروهی، علاوه بر بزه کار و بزه دیده تعدادی از افراد نظیر پلیس، مددکار، مشاور، قاضی، نمایندگان جامعه، وکلا، روانشناسان، مربیان و معلمان فارغ از رسیدگی های رسمی، ضمن بررسی موضوع، تلاش می نمایند تا راه حل مناسبی برای آن پیدا کنند. در این روش، افراد که در این نشست ها مشارکت می نمایند به دلیل داشتن تجربه، تلاش می کنند تا ضمن به نتیجه رساندن پرونده، نتیجه را به قاضی مربوطه ارائه کنند. بر این اساس، مواد ۳۹ و ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک، بندهای ۲-۱۱ تا ۱۱-۴ مقررات پکن در خصوص تغییر فرآیند مسیر رسیدگی و استفاده از سایر فرآیندهای غیر کیفری نظیر فرآیندهای عدالت ترمیمی را توصیه نموده است. هم چنین پاراگراف ۱۵ مقررات پکن در این زمینه اشعار داشته است: «بازنگری آیین دادرسی موجود باید به عمل آید و در صورت امکان تغییر مسیّر دادرسی یا سایر ابتکارات بدیل در قبال نظام های عدالت جزایی کلاسیک گسترش یابد تا از توسل به نظام های عدالت جزایی برای اشخاص جوان متهم به تخلف اجتناب گردد. باید اقدامات مقتضی صورت گیرد تا طیفی وسیعی از تدابیر بدیل و آموزشی در مراحل پیش از دستگیری، پیش از محاکمه و پس از محاکمه در سراسر کشور در دسترس قرار گیرند تا از ارتکاب جرم، پیش گیری و اصلاح اجتماعی متخلفان کودک ارتقاء یابد». پاراگراف شماره ۴۲ این سند نیز بر استفاده از راهکارهای تغییر مسیر دادرسی از نظام عدالت کیفری، تأکید داشته است. یا مذاقه در قوانین کیفری داخلی، ملاحظه می شود قانونگذار، این امر را به صورت کلی و بدون تفکیک اطفال و نوجوانان از بزرگسالان تا حدودی مورد توجه قرار داده است. البته باید گفت در این مورد نیز قانونگذار در خصوص اعطای اختیارات به پلیس در زمینه استفاده از عدالت ترمیمی در مرحله کشف جرم و تحقیقات پلیسی سکوت نموده و صرفاً استفاده از راهکارهای عدالت ترمیمی را در مرحله تعقیب مورد توجه قرار داده است. ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸،

دادگاه ملزم به تلاش در جهت ایجاد صلح ذات البین شده بود. در ماده ۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، در تعریف این قانون، میانجی‌گری و صلح میان طرفین به عنوان بخشی از راهکارهای عدالت ترمیمی مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۸۲ و تبصره آن نیز مقام قضائی را در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت مخیر نموده تا در صورت وجود برخی شرایط، پرونده را برای انجام میانجی‌گری ارجاع دهد. هم‌چنین در بخش انتهایی ماده ۱۹۲ بازپرس را مکلف نموده تا در صورت امکان، سعی در ایجاد صلح و سازش و یا ارجاع امر به میانجی‌گری نماید. به عبارت دیگر هرچند قانونگذار ایران به استفاده از رویکردهای عدالت ترمیمی توجه دارد. لیکن به نظر می‌رسد قانونگذار اعتقادی بر اعطای اختیار به استفاده از رویکرد عدالت ترمیمی توسط پلیس وجود ندارد. اما رویکرد نویسندگان پیش‌نویس لایحه تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان مقداری متفاوت با این رویکرد قانونگذار است. در مواد ۴۴ به بعد این پیش‌نویس، نیز این امر مورد توجه قرار گرفته و به پلیس اختیارات بیشتری در زمینه استفاده از فرآیند تغییر مسیر رسمی رسیدگی داده شده است (ورایی، ۱۳۹۸: ۲۲).

۴-۱۱- ارزیابی برنامه‌های واکنشی مصرح در لایحه با تأکید بر سیاست جنایی قضایی

مقررات قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ در مقام واکنش قانونی نسبت به اعمال مجرمانه که افراد تا سن ۱۸ سال شمسی انجام می‌دهند، متناسب با مقطع گروه سنی آنها واکنش خاصی را پیش‌بینی نموده است. عدم مسئولیت کیفری که مخصوص گروه سنی نخست یعنی اطفال زیر سن ۱۲ سال شمسی می‌شود که در مقام ارزیابی این نوع واکنش، با توجه به اینکه اصولاً افراد غیرمميز قابلیت آن را ندارند که بطور دانسته و خواسته یعنی توأم با سوءنیت مجرمانه مرتکب جرم شوند و در نتیجه از لحاظ اخلاقی و عرفی سزاوار سرزنش نبوده و نمی‌توان آنها را از لحاظ کیفری مسئول شناخت، در نتیجه واکنش مزبور منطبق با اصول حقوق کیفری و همچنین منطبق با معیارهای اخلاقی و عرفی می‌باشد. با این حال در نظر گرفتن سن ۱۲ سالگی به عنوان سن آغاز مسئولیت کیفری از این جهت قابل اشکال است که نسبت به خردسالان بزهکار امکان اعمال اقدامات تأمینی و تربیتی به منظور اصلاح، درمان و بازپروری اجتماعی وجود ندارد و به نظر می‌رسد که این سن حداقل ۵ سال بالاتر از سن واقعی تمیز گرفته شده است و بهتر بود که سن تمیز یا همان سن آغاز مسئولیت کیفری ۷ سالگی تعیین می‌شد. سپردن طفل به اولیای آنها با الزام به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق آنها که مخصوص گروه سنی دوم یعنی اطفال ممیز غیربالغ می‌شود. در مقام ارزیابی این واکنش نیز ملاحظه می‌شود که نوعی اقدام تأمینی و تربیتی و البته فاقد ضمانت اجرای قانونی خاص از سوی قانونگذار در خصوص این گروه سنی در نظر گرفته شده که همانا سپردن اطفال بزهکار به اولیای آنها و در عین حال الزام اولیاء به مراقبت بر تأدیب و اصلاح و تربیت اطفال می‌باشد. همچنین این اشکال وجود دارد که هیچ‌گونه شرط یا شرایط خاصی که طفل و نوجوان می‌بایست در جهت اصلاح و درمان و بازپروری اجتماعی ملزم به رعایت آنها باشد، در این قانون پیش‌بینی نشده است. البته باید توجه داشت که قانونگذار به بیان یک حکم کلی اکتفا نموده و وضعیت‌های خاصی را که اطفال بزهکار فاقد اولیا بوده و یا اولیاء آنها به هر دلیل صلاحیت اخلاقی و عرفی لازم برای نگهداری اطفال را ندارند، مشخص نموده است که از این جهت قانون مذکور قابل انتقاد بوده و ناقص می‌باشد. بهتر بود که در چنین مواردی پیش‌بینی می‌شد تا اطفال بزهکار فاقد سرپرست یا بدسرپرست با نظارت مقامات قضایی به مؤسسات اصلاحی و تربیتی خاص سپرده شوند. مجازات تازیانه که مخصوص گروه سنی سوم یعنی اطفال ممیز غیربالغی است که به سن ۱۵ سال تمام نرسیده‌اند. در مقام ارزیابی این واکنش، بدیهی است که به هیچ‌وجه نمی‌توان مجازات تازیانه را برای اطفال بزهکار مناسب تشخیص داد و اینکه قانونگذار در مقام واکنش نسبت به اطفال بزهکار به سمت مجازات‌های بدنی رفته است، اصولاً قابل اشکال می‌باشد. مجازات حبس در دارالتأدیب مخصوص گروه سنی چهارم یعنی اطفال بیش از ۱۵ سال و کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی. در مقام ارزیابی واکنش حبس در دارالتأدیب می‌توان با توجه به کلمه حبس که به نوعی مجازات مخصوص بزرگسالان اشاره دارد، چنین اظهار داشت که مجازات زندان به عنوان مجازات سالب آزادی به همان نحو که در مورد بزرگسالان اعمال می‌شود، نمی‌توان در خصوص اطفال بزهکار نیز اعمال نمود زیرا هدف اصلی از واکنش در مقام اطفال بزهکار، باید تأمین هدف مهم اصلاح و تربیت باشد که مجازات حبس فاقد چنین ویژگی می‌باشد. همچنین محکومیت به حبس در خصوص اطفال، به دلیل برچسب زنی قضایی، سبب خودانگاره مجرمانه و دگرانگاره مجرمانه شده و اثرات مخرب روحی روانی زیادی را بر اطفال وارد نموده و در عین حال در تعاملات اجتماعی این اطفال اختلال شدید وارد می‌نماید که در نتیجه از لحاظ جرم‌شناسی نمی‌تواند فاقد توجیه باشد.

۴-۱۲- کسب و کار کودکان در سیاست کیفری تقنینی

قانونگذار با تفکیک جرایم تعزیری از جرایم حدود و قصاص و با روی‌گردانی از نظام مسئولیت کیفری دفاعی، نظام مسئولیت کیفری تدریجی را

در جرایم تعزیری پذیرفته است. طبقه بندی اطفال و نوجوانان در گروه‌های سنی بدون تبعیض جنسیتی، از مهمترین جلوه‌های رویکرد جدید قانونگذار است که می‌توان از آن در توسعه اقتصادی از کودکان استفاده کرد. مسؤولیت در تعزیرات بر مبنای سن تدریجی است ولی در حدود و قصاص مسؤولیت بر مبنای بلوغ شرعی نهاده شده است. مسؤولیت کودکان ۱۵ تا ۱۸ سال از نوع مسؤولیت کیفری کاهش یافته و بسیار خفیف‌تر از بزرگسالان است. سن عدم مسؤولیت کیفری مطلق در تعزیرات، زیر ۹ سال شمسی است و کودکان تا ۹ سال خواه ممیز باشند یا غیرممیز، مسؤولیتی نخواهند داشت و هیچ تصمیمی را نمی‌شود درباره آنها اتخاذ نمود. مسؤولیت نسبی کودکان از سن ۹ سال تمام شمسی آغاز می‌گردد و اشخاص ۹ تا ۱۲ و ۱۲ تا ۱۵ سال، در قبال نقض قوانین کیفری، واجد مسؤولیت نسبی هستند و صرفاً درباره آنها اقدامات تأمینی و تربیتی اتخاذ خواهد شد. قانونگذار در سال ۱۳۹۲ با تدریجی نمودن مسؤولیت کیفری کودکان، به یکی از مهمترین ارکان مسؤولیت کیفری یعنی قوه تمیز یا رشد عقلی توجه نموده است. قانونگذار بنا به ملاحظات فقهی و تأمین نظر شورای نگهبان، معیار مسؤولیت در جرایم حدود و قصاص را سن بلوغ شناخته و همچون قوانین گذشته، از نظام مسؤولیت کیفری دفعی تبعیت نموده است. اما در کنار سن بلوغ، رشد جزایی را نیز به عنوان ضابطه‌ای بر تحقق مسؤولیت کیفری افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال شمسی پذیرفته است. مطابق این ضابطه، چنانچه در رشد جزایی این گروه از نوجوانان شبهه‌ای وجود داشته باشد مسؤولیت کیفری آنان را از حد به تعزیر کاهش می‌دهد، چنانکه قانونگذار در تبصره ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته است: دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند، استفاده کند با ذکر این توضیحات می‌توان در صورت رعایت عدالت رفتاری و اقتصادی با رعایت شرایط خاص که قبلاً ذکر شد از کودکان استفاده کرد (بارانی، ۱۳۹۳: ۷۸).

۴-۱۳- ارزیابی مدیریت کسب و کار کودکان در سیاست‌های اجرایی و مشارکتی

تأثیر آموزش عمومی بر پیشگیری از وقوع جرم مورد توجه قانونگذار عادی قرار گرفته است. تا جایی که بند ب تبصره ۶۹ قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۳/۹/۲۰ صراحتاً مقرر می‌دارد: «به منظور ایجاد نظم عمومی و وجدان کاری و اعمال روش‌های غیرمستقیم جهت اقدام و رعایت قانون و نظم اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرایم دولت مکلف است آموزش همگانی مردم را تهیه و اجرا نماید». به هر حال اگرچه قوانین فوق و سایر قوانین و مقررات مربوط، بر نقش دولت در تأمین آموزش عمومی تأکید و تکیه می‌کنند اما شکی نیست که جامعه‌ی مدنی نقش و سهم مهمی در این زمینه ایفا می‌کند و نهادهای اجتماعی مختلفی وجود دارد از قبیل خانواده، مدرسه، مسجد و مراکز دینی، سازمان‌های غیردولتی و رسانه‌های گروهی که این کارکرد آموزشی جامعه‌ی مدنی را برآورده می‌سازند.

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در نظام حقوقی هر کشوری علی‌الاصول طفل یا صغیر دارای تعریف معینی است که البته به تناسب کشورهای مختلف، این تعاریف نیز متفاوت می‌باشد. در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای نزدیک ساختن این اصطلاحات و تعاریف انجام شده است. در اعلامیه جهانی حقوق کودک مصوب سال ۱۹۵۹ در ارتباط با حقوق کودک و رعایت آن حقوق، مطالب بسیار مهمی ارائه شده است لیکن تعریف مشخصی از اطفال و نوجوانان و حتی عبارت «کودک» در آن مشاهده نمی‌شود. در ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک مصوب سال ۱۹۸۹، کودک این گونه تعریف شده است: «از نظر این کنوانسیون منظور از کودک، افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال است مگر آنکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کم‌تر تشخیص داده شود». در این تعریف، معیار تعیین شده سن ۱۸ سال تمام می‌باشد. برخی حقوقدانان نیز بدون این که تفکیکی برای تعریف اطفال و نوجوانان قائل شوند به این صورت به بیان تعریف این افراد پرداخته‌اند: «منظور از کودک و نوجوان در حقوق کیفری، فردی است که فاقد شرایط روحی، ذهنی، جسمی و اجتماعی برای پذیرش مسؤولیت یا مسؤولیت کامل در پاسخ‌گویی نسبت به نقض قوانین کیفری است، اما تعریف کودک و تعیین حد سنی او در قوانین کشورهای مختلف جهان، از دیرباز تا کنون متغیر بوده است و در حال حاضر نیز در کشورهای مختلف جهان از ۷ تا ۱۷ سال است. بدین ترتیب احترام به نظام‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی کشورهای عضو کاملاً رعایت شده است. مطالعه حاضر نشان داد، قوانین مختلف، اعم از قانون کار، قانون مجازات اسلامی، قانون الحاق به کنوانسیون ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار و... مندرجات کافی برای حفظ حقوق کودکان و جلوگیری از بهره‌کشی کودکان را دارند. اما در عمل شاهد کار کودکان نظیر کودکانی که در کارگاه‌ها به خصوص کارگاه‌های زیرزمینی، بکارگیری نظامی و مواد مخدر مشغول به کار هستند می‌باشند. اصلی‌ترین علت کار کودکان در کشورمان مشکلات مالی برخی خانواده‌ها می‌باشد. گرچه سازمان‌ها و نهادهای مربوطه از جمله سازمان بهزیستی، در این ز

مینه اقداماتی نموده‌اند، اما اقدامات انجام شده در مقابل وضعیت موجود کافی نیست. برای رهایی از این وضعیت و جلوگیری از استفاده منفی کار کودکان و استفاده آن‌ها در جهت مثبت که منافع دو جانبه اقتصادی کودک و کارفرما در بر بگیرد، افزایش اطلاعات خانواده‌ها از مضرات کار ناشیست کودکان و ریشه کنی فقر ضروری می‌باشد که البته نیازمند به برنامه‌های کوتاه مدت و بلند مدت است.

۵-۱-۱- راهکارها

با توجه به توصیه‌کنگره‌های چند سالانه‌ی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ارتباط با پیش‌گیری از جرم و اصلاح بزهکاران و اعلامیه اسلامی حقوق بشر مبنی بر مشارکت وسیع نهادهای اجتماعی در وجوه مختلف این واقعیت که برای پیشگیری از سوء استفاده کاری نوجوانان و اطفال و اصلاح این مسیر بزهکاری، نخستین گام آموزش آنها می‌باشد، به بررسی مباحث پیش رو با در نظر گرفتن سیاست حکمرانی متعالی خواهیم پرداخت.

۵-۱-۱-۱- مدرسه و موسسات آموزشی

از جمله اهداف آموزشی مدرسه، ساختن افراد برای زندگی بهتر در جامعه آینده، اجتماعی کردن، تأمین نیروی انسانی، انتخاب و واگذاری م شاغل، نوآوری، ایجاد همبستگی اجتماعی، رشد شخصیتی فرد و انتقال فرهنگ گذشته به نسل‌های آینده است. در این میان جامعه شناسان برای اجتماعی کردن فرد توسط مدرسه اهمیت و اعتبار بیشتری قائل هستند. بنابراین مدرسه با این نقش و کارکرد مهم آموزشی می‌تواند نقش بسزایی در بازدارندگی از انحراف و جرم ایفا نماید. ویکتور هوگو فرانسوی می‌گوید: «یک مدرسه باز کنیید تا در یک زندان بسته شود». قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با این دیدگاه در اصل سوم دولت را موظف کرده است که «وسایل آموزشی و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد». از جمله جنبه‌های مهم مشارکت جامعه‌ی مدنی در مورد نهاد آموزشی مدرسه در را می‌توان مشارکت مردم در ساخت و تجهیز مدرسه و تأمین آن برای فعالیت‌های آموزش و پرورش دانست. نقش دانشگاه آزاد اسلامی که در جمهوری اسلامی ایران اوایل تشکیل حکومت جمهوری اسلامی برای غلبه بر بحران آموزش عالی ایجاد شد و همچنین نقش مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی تشکیل شده در سال‌های اخیر، در جهت توسعه کمی آموزش عالی را می‌توان از دیگر جنبه‌های مشارکت جامعه‌ی مدنی در امر آموزش به شمار آورد. به علاوه نقش مردم در آموزش غیر رسمی را نباید فراموش کرد که توسط آموزشگاه‌های خصوصی در سطح وسیعی انجام می‌گیرد و از جهت کمی قابل توجه می‌باشد.

۵-۱-۲- نقش مسجد و مراکز مذهبی

مسجد به عنوان یک نهاد فرهنگی همواره رسالت و کارکرد آموزشی خود را در امر آموزش غیررسمی و تعلیم و تربیت افراد مسلمان و بالا بردن آگاهی‌های اجتماعی و مذهبی آنها حفظ و تداوم بخشیده است. علاوه بر مسجد، اماکن مذهبی دیگری چون حسینیه، زیارتگاه، مصلی، مهدیه، و نظایر اینها نیز کمابیش دارای فعالیت آموزشی و فرهنگی می‌باشند و باید از نقش آنها در این زمینه یاد کرد (عراقی، ۱۳۸۸). البته ناگفته پیداست که کارکرد فرهنگی مسجد که جنبه آموزشی دارد به واسطه ارتقاء بخشیدن به سطح فرهنگ و اعتقادات مذهبی مردم و بالا بردن آگاهی‌های دینی و اجتماعی آنها تأثیر قابل توجهی در پیشگیری از بزهکاری اطفال خواهد داشت. جنبه دیگر کارکرد آموزشی مساجد به نقش تربیتی و اخلاقی آن مربوط می‌شود که بالا رفتن سطح اخلاق جامعه بخودی خود می‌تواند یک عامل بازدارنده و یک فاکتور مهم در پیشگیری از جرم محسوب گردد.

۵-۱-۲- آموزش رسانه‌های گروهی

در اینجا این نقش در دو سطح عام همگانی و خاص همگانی بررسی می‌گردد. اولاً رسانه‌های گروهی و آموزش‌های عام همگانی در جهت هنجارمندی رفتار شهروندان رسانه‌های گروهی به علت طیف وسیع گسترده مخاطبان، سرعت انتقال و سهولت استفاده نقش بسیار مؤثری در بالا بردن آگاهی‌های عمومی دارند. بی‌دلیل نیست که بند دوم اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر به عنوان یکی از وظایف مهم دولت تأکید می‌کند. برای تأمین این هدف در اصل بیست و چهارم قانون اساسی، مطبوعات و نشریات را در بیان مطالب به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی نباشند، آزاد می‌گذارد (هاشمی، ۱۳۷۴: ۷۱). ثانیاً رسانه‌های گروهی و آموزش خاص همگانی جهت پیشگیری از جرم: این نوع آموزش عمدتاً به صورت آموزش قوانین و مقررات کیفری انجام می‌شود و یا ممکن است جنبه آموزش به بزه دیدگان احتمالی و بالقوه و پیشگیری از بزه دید

گی داشته باشد که یقیناً در پیش گیری از بزه‌دیدگی اطفال و افزایش آگاهی آنان خصوصاً در ارتباط با قوانین و مقررات جاده ای و ترافیکی کمک کننده خواهد بود.

۵-۱-۳- تأثیر آموزشی برخی اقدامات فردی شهروندان

اولین و مهمترین موضوع در این رابطه به تأثیر آموزشی ایمان و اعتقادات مذهبی شهروندان مؤمن و انجام فرایض و تکالیف دینی و رفتارها ی اخلاقی آنها برمی گردد. این عوامل فردی علاوه بر اینکه موجب تقویت اراده و توانمندی افراد در جهت پرهیز از گناه و جرم می‌شود از عوام فردی مثبت بازدارنده در جهت پیشگیری از جرم محسوب می گردند(رحیمی، ۱۳۸۷: ۱۳۷). جنبه ی دیگر اقدامات فردی شهروندان در این راستا به نقش و اثر آموزشی فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از احکام عبادی مهم اسلام مربوط می‌شود. از دیگر اقدامات فردی شهروندان که در آموزش عمومی جامعه تأثیر می گذارد، اقدامات و فعالیت های داوطلبانه و خیرخواهانه آنها در جهت آموزش و تعلیم و تربیت دیگران در پرتو تعالیم و توصیه های مذهبی می باشد که در فرهنگ اسلامی از آن به عنوان زکات علم یاد شده است.

۶- تقدیر و تشکر

اینجانب نوید الهوئی بدینوسیله ضمن تشکر فراوان و قدردانی از زحمات سردار سرتیپ پاسدار جناب آقای دکتر احمدی مقدم عزیز و ارجمند ریاست محترم دانشگاه عالی دفاع ملی و پژوهشگاه تحقیقات جمهوری اسلامی ایران که همواره پیشرو و مجاهد در عرصه علم هستند را اعلام می نمایم.

۷- مراجع

- ۱]. ابراهیمی ورکیانی، فاطمه (۱۳۸۹). حق دادرسی منصفانه کودکان در تعارض با قانون، انتشارات جنگل جاودانه: تهران.
- ۲]. آشوری، محمد (۱۳۸۵). دادرسی ویژه نوجوانان، گزارش کارگاه‌های آموزشی دادرسی نوجوانان، انتشارات امیرکبیر: تهران.
- ۳]. عراقی، عزت الله و امیر حسین رنجبریان (۱۳۸۸). تحول حقوق بین المللی کار، تهران، موسسه کار و تامین اجتماعی: تهران.
- ۴]. غفاری فارسانی، بهنام (۱۳۸۸)، نگاهی به کنوانسیون بدترین اشکال کار کودک، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، شماره ۲.
- ۵]. وطن خواه، حمید، (۱۳۸۳) ، تأثیر مصوبات سازمان بین المللی کار بر حقوق کار ایران، انتشارات سمت: تهران.
- ۶]. وروایی، اکبر، و نیکزاد عباسی (۱۳۹۸). سیر تحول حقوق کیفری اطفال و نوجوانان در ایران، انتشارات خرسندی: تهران.
- ۷]. بارانی، محمد، (۱۳۹۳). شیوه های رفتار پلیس با کودکان و نوجوانان، تهران: معاونت تربیت و آموزش ناجا.
- ۸]. نجفی توانا، علی(۱۳۸۲). نابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان از منظر جرم شناسی، تهران، انتشارات راه تربیت.
- ۹]. حاجی تبار فیروز جایی(۱۳۹۷) ؛حسن، پیشگیری وضعی از بزه دیدگی کودکان در معرض خطر در ایران با تأکید بر قوانین و مقررات انگلیس، فصلنامه علمی- ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم، زمستان ۱۳۹۷، سال پنجم، دوره سوم، شماره هفدهم.
- ۱۰]. بیگی، جمال ، و محمدعلی اردبیلی (۱۳۸۴). بزه دیدگی اطفال در حقوق ایران، چاپ اول، انتشارات میزان: تهران .
- ۱۱]. قائمی، علی (۱۳۶۶). آسیب ها و عوارض اجتماعی، ریشه یابی، پیشگیری، درمان، تهران: انتشارات امیری.
- ۱۲]. سیف، سوسن (۱۳۶۸). تئوری رشد خانواده، تهران: نشر دانشگاه الزهراء.
- ۱۳]. شیشه گران ، مریم ، محمدعلی حاجی ده آبادی ، بررسی بزه دیده شناختی کودکان کار ، نشریه قانون یار ، زمستان ۱۳۹۷، دوره ۲، شماره ۸ .